

الحمد لله از تجلیات انوار نیر اعظم افق عالم روشن و منیر است ...

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت بهاء الله - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی
- شماره ۱۵

الأقدس الأعلى

الحمد لله از تجلیات انوار نیر اعظم افق عالم روشن و منیر است و فیوضات رحمانیه از سماء مرحمت و مكرمت جاری و نازل طوبی از برای نفوسی که بوساوس انفس خبیثه از شاطی بحر احدیه محروم نمانده اند و حجات وهمیه را بعنایات مالک بریه خرق نموده اند ایشانند نفوسی که خمر مرحمت را از ایادی فضل من غیر تأمل گرفته و نوشیده اند انّ لهم حسن مآب

ای طائران هوای رحمن و طائفان کعبه عرفان بشنود ندای این مظلوم را که در منتهای شدت و بلا شما را فراموش نموده و در کلّ احیان احبّای رحمن را امر مینماید بآنچه خیر است از برای ایشان عمّا خلق فی السموات و الارضین اعظم از کلّ امور استقامت و اتفاق بر کلمه جامعه الهیه است انشاء الله از فضل رحمانی و عنایت سبحانی کلّ بآن فائز شوید این بسی واضح و معلوم است که آنچه ذکر میشود مقصود خلاصی نفوس است از سجن نفس و هوی و ارتقائهم الی الأفق الأعلى انشاء الله باید کلّ متمسک بجبل محکم استقامت شوند و متشبث بذیل اتحاد و اتفاق گردند باید بشأنی بر امر مستقیم باشند که نفحات آن مضطربین و متزلزلین را مستقیم نماید لیس هذا علی الله بعزیز

ان رأیتم الجیم قولوا له بأی حجة اقبلت و بأی برهان اعرضت عن الله المقتدر العزیز الحکیم انک اتبعت اهواء الذی ما عرف الیمین عن الشمال الا انه من الأخسرین و الذی اغواک قد اخذناه بذنبه اذا فی بحر النار یقول تبت الیک یا محبوب العالمین ضرب علی فمه من ید القدرة و قیل اصمت یا ایها المشرک البعید انک دعوت الناس الی الذی ما رأیته و ما عرفته و ما اطلعت علی امره و انت تصدقنی فی ذلک لو تكون من المنصفین یا عبد ارحم نفسک و انفس الناس و لا تتبع الذین اتبعوا الأوهام و جعلوها لأنفسهم ارباباً من دون الله دع ما عندهم ثم استقم بالاستقامة الکبری علی امر ربک فاطر الأرض و السماء کذلک یأمرک مالک السماء لو کنت من العالمین

بلسان پارسی القا کنید که شاید کلمات نصیحیه ربّانیه را ادراک نماید و بشاطی بحر اعظم راجع شود عجب در اینست که بعد از امواج بدیعۀ منیعۀ البحر الطاف الهیه و اشراقات کلمات ربّانیه باشارات عتیقه خلقۀ بالیه خلافت و امثال آن از



ORIGINAL

شاطی بحر احدیه ممنوع و محروم مشاهده میشوند قل الله يعلم ما فی قلوبکم و ما انتم به تنطقون و تتکلمون در این ایام روحانی باید کل بطراز بدع رحمانی فائز شوند مقدساً عن کل ما فی ایدی الناس و عن کل ما سمعوا تا چه رسد بخلافات معموله که از ناحیه کذب ظاهر شده امثال این اذکار سبحات مجلله بوده که اکثر بریه از خرق آن عاجزند و لکن از برای حق عبادی است که بقدرت الهیه کل را خرق نموده اند و بدوست پیوسته اند الیوم آل الله نفوسی هستند که جمیع من فی السموات و الأرض را معلق باراده حق دانند بشأنی که اگر بخواهد بحرکت اصبع اراده ذره تراب را باعلی ذروه ابداع رساند و هم چنین اعلی ذروه را بادی ذره راجع فرماید کل ما یقول هو حق و ما یحکم به ینبغی ان یکون محبوب العارفين بدیع من جمیع الجهات در این ظهور ظاهر لو کان الناس فیه یتفکرون

باری بعضی اهل بیان باقوال ارامل اهل فرقان ناس را از شریعه رحمن منع نموده اند بحرف جیم و امثال او بگوئید بعین بصیرت مشاهده کنید هزار سال او ازید جمیع فرق اثنی عشریه نفس موهومی را که اصلاً موجود نبوده مع عیال و اطفال موهومه در مدائن موهومه محل معین نمودند و ساجد او بودند و اگر نفسی انکار او مینمود فتوای قتل میدادند الا انهم من عبدة الأوهام فی کتاب ربک العلیم الخبیر و بعد از تولد نقطه در ارض معروفه نزد صاحبان بصیرت واضح شد که آنچه در دست قوم بوده کل باطل و بی معنی بوده همین قسم در جمیع مطالبی که نزد آن قوم است مشاهده کنید انی لا احب ان اخرق بعض الأعجاب طوبی لقوی یخرق بأنامل الیقین لیری ما هو المراد عند ربّه مالک الایجاد کل در این ظهور مأمورند که در نفس ظهور و آثار او مقدساً عن الكل مشاهده نمایند و این فضل مخصوص این ظهور بوده و هم چنین میفرماید اذا ظهر یدل النور بالظلمة و الظلمة بالنور مع ذلک بنفسی که از مبدأ و منتهای او مطلع نیستید از مطلع انوار احدیه و مشرق آیات الهیه محروم مانده اید بگوئید قدری بیان فارسی را ملاحظه کنید لعلکم تدعون الموهوم و ترون شمس اسم ربکم القيوم مشرقه بین السموات و الأرضین بشنود ندای ناصح امین را و قطع نظر از آنچه استماع نمودید در آیات الهیه نظر نمائید و در ما ظهر فی الظهور تفکر کنید لعلکم تدعون الهوی و تتوجهون الی الله العلیم الحکیم ان تکفروا انتم و من علی الأرض جمیعاً انه هو الغنی الحمید

انتم یا احبائی فی القاف دعوا هؤلاء ثم اقبلوا بالقلوب الی شطر الله المقتدر العزیز المحبوب کونوا علی شأن تستضیء بکم الافاق و تتوجه بکم الوجوه الی شطر ربکم العزیز الودود احمداً و الله بما جرت اسمائکم من قلم الوحي و ینطق بأذکارکم لسان المسجون نسأل الله ان یؤیدکم علی الاتحاد فی امر ربکم مالک یوم المعاد و یجعلکم من الذین لا خوف علیهم و لا هم یحزنون اشربوا کأس الحیوان بالروح و الریحان رغماً للذین کفروا بالرحمن و کانوا عن لقائه هم معرضون طوبی لکم بما ذکرتم من لدن مالک القدم فی السّجن الأعظم و توجه الیکم طرف الله المقتدر المهیمن القيوم بالستید بر امر الله بشأنی که هر مضطربی مستقیم شود و هر عظم ریمی بحرکت آید و جهد نمائید تا ظلمت امکان از انوار ذکر رحمن مستنیر شود انشاء الله کل به ما یلیق لشؤونکم و نسبتکم الی الله قیام نمائید سدره منتهی تکلم میفرماید بگوش جان بشنود لسان رحمن در نطق است باصغای آن فائز شوید کذلک یدکرکم ربکم المتکلم العلیم

یا امائی هناك افرحن بما ذکرتم من القلم الأعلی ثم استقمین علی امر الله مالک الأسماء کذلک یعظکن ربکم فی هذا اللوح الذی طرز بطراز بیان الله العزیز المحمود ای اماء من انشاء الله لم یزل و لا یزال از کوثر محبت غنی بیزوال بیاشامید و بذکر و ثنائش ناطق باشید انما البهاء علیکم یا احبباء الله و علی الذین یسمعون قولکم فی هذا الأمر الأبدع العظیم